

گزارش میزگرد تخصصی

بررسی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی*

مقدمه

صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی که پس از یازده سال صادر شد، اگرچه خواسته اصلی جمهوری اسلامی ایران در دریافت غرامت از ایالات متحده بابت حمله به سکوهای نفتی را محقق نساخت، اما این رأی با دربرگرفتن مباحث مفصلی در زمینه توسل به زور و تهاجم نیروهای آمریکایی به ایران و اشاره به ابعاد مختلف حقوقی این مسأله می‌تواند به منزله یک سند غنی و پرمحتوای حقوق بین‌الملل همچون تمامی آرای این دیوان مورد بررسی و موشکافی علمی و تخصصی قرار گیرد. از این منظر، بررسی این رأی و نظرات مستقل برخی قضات دیوان که به آن افزوده شده است برای تمامی علما و پژوهشگران حقوق و روابط بین‌الملل به طور عام و برای استادان، دیپلمات‌ها، پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های مرتبط در ایران به طور خاص حائز اهمیت است. دانشکده روابط بین‌الملل با درک اهمیت موضوع و با هدف گسترش

* - این گزارش میزگرد و بررسی از طرف آقای مسعود اسلامی رییس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه به کانون وکلا ارسال شده است. متخصصان شرکت‌کننده در این میزگرد و مباحث مطرح شده عبارتند از: مقدمات و رأی صلاحیتی دیوان (دکتر شفیعی)، دعوی و ادله ایران (دکتر ضیایی بیگدلی)، دعوی متقابل ایالات متحده (دکتر بیگزاده)، اصل عدم توسل به زور در پرتو رأی دیوان (دکتر ممتاز)، ارزیابی رأی دیوان از نظر مسؤلیت دولت‌ها (دکتر اسلامی).

نظر به اهمیت و ابعاد حقوقی رأی صادره، مجله کانون وکلا تصمیم به انتشار این گزارش گرفت تا حقوقدانان صاحب‌نظر ابعاد بیشتر آن را مورد بحث، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

و تعمیق دانش تخصصی در زمینه مسایل بین‌المللی اقدام به برگزاری میزگرد علمی در زمینه مذکور با حضور استادان برجسته حقوق بین‌الملل نمود.

میزگرد که توسط آقای بهزاد صابری انصاری کارشناس ارشد دانشکده روابط بین‌الملل اداره می‌شد در روز سه‌شنبه ۱۶/۱۰/۸۲ با حضور استادان مدعو شروع به کار کرد. وی با ذکر مقدمه‌ای در خصوص اهمیت موضوع و اهداف دانشکده روابط بین‌الملل از برگزاری این میزگرد گفت: بیشتر مباحثی که در روزنامه‌ها در این خصوص طرح شده است، غیرکارشناسی و سیاسی بوده است. در این باره نظرات مختلفی مطرح شده و انتقادات بسیاری نیز بر رأی دیوان وارد آمده است. موضع رسمی دولت که از طریق سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام گردید، رأی دیوان را کاملاً سیاسی خوانده و این حکم را غیر عادلانه ارزیابی کرده است. اگرچه دیوان بین‌المللی، ایران را محق دریافت خسارت ناشی از حمله به سکوه‌های نفتی ندانسته است، لیکن این رأی می‌تواند از جنبه‌های کلی‌تر و عمومی‌تری نظیر اثرات آن بر حقوق بین‌المللی عرفی نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این باره دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه سعی در برگزاری میزگردی برای بررسی علمی و تخصصی این رأی داشته است.

آقای دکتر شفیع شفیعی

● مقدمات و رأی صلاحیتی دیوان

نخستین سخنران این میزگرد آقای دکتر شفیع شفیعی داور سابق ایران در دیوان دعوای ایران - ایالات متحده به توضیح پیرامون درگیری‌های ایران و آمریکا در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حوادث منتهی به طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری پرداخت. به گفته وی، در اکتبر ۱۹۸۷ میلادی سکوه‌های نفتی رشادت و رسالت هدف اصابت موشک‌های آمریکایی قرار گرفت. پس از این واقعه رییس جمهور وقت آمریکا در نامه‌ای که درست روز بعد از حملات به شورای امنیت سازمان ملل متحد نوشت علت این حمله را دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه ایران به کشتی‌های آمریکایی و خارجی دانست. ایالات متحده آمریکا با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد این اقدام را دفاع مشروع در مقابل حملات ایران به کشتی‌های نفتکش

و نیز مین‌گذاری ایران بر سر راه ناو جنگی ایالات متحده عنوان کرد. در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ سکوهای نفتی سلمان و نصر در خلیج فارس نیز هدف حمله ناوهای آمریکایی قرار گرفت و آمریکا دوباره همان استدلال سابق را مطرح کرد.

دکتر شفیعی ضمن اشاره به حساسیت رسیدگی به این موضوع در دیوان، یکی از کارهای مهم دیوان را شناسایی مرز بسیار حساس بین دفاع مشروع و تلافی دانست. پس از پایان جنگ بین ایران و عراق، دولت جمهوری اسلامی ایران با ارایه دادخواست به دیوان بین‌المللی دادگستری که رکن قضائی سازمان ملل متحد به شمار می‌آید و با استناد به عهدنامه مودت بین ایران و آمریکا منعقد شده در سال ۱۹۵۵ میلادی خواهان دریافت خسارت ناشی از این حمله به منابع اقتصادی کشور شد. عهدنامه مزبور امور اقتصادی تجاری و کنسولی بین دو کشور را دربر می‌گرفت. براساس برخی از مفاد این عهدنامه هیچ یک از دو کشور حق به خطر انداختن منافع اساسی یکدیگر را ندارند. در بخش دیگری از این عهدنامه آمده است بین سرزمین‌های دو کشور معاهد آزادی تجارت و کشتیرانی برقرار خواهد بود. در بند ۲ ماده ۲۱ این عهدنامه نیز آمده است، هر نوع اختلاف میان دو طرف ناشی از تفسیر این عهدنامه باید به طریق دیپلماتیک به صورت قانع‌کننده‌ای رفع شود، در غیر این صورت به طور خودکار این اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود، مگر اینکه نوع دیگری از حل و فصل اختلاف توسط طرفین در نظر گرفته شود. همچنین در بخش دیگری از این عهدنامه آمده است: قرارداد به هیچ نحوی مانع از اجرای اقدامات لازم در جهت عمل به تعهدات دو طرف این معاهده نمی‌شود.

دکتر شفیعی ضمن اشاره به مخالفت ایالات متحده با صلاحیت دیوان در این قضیه، متذکر شد متن معاهده کاملاً آشکارا رفع اختلافات برخاسته از عهدنامه را به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌سپارد اما کار عمده ایران در این دعوی، احراز این مطلب بوده است که اختلاف و دعوی حاضر به نوعی به عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و تفسیر آن مرتبط است. تنها در این صورت بود که دیوان می‌توانست خود را برای ادامه رسیدگی صالح بداند. در مقابل آمریکا معتقد بود عهدنامه مذکور معاهده‌ای است که طرفین صرفاً برای تنظیم امور تجاری میان خود منعقد کرده‌اند، و هیچ ارتباطی به مسایلی نظیر حمله و دفاع

ندارد. این امور تنها در چارچوب حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، شورای امنیت و... قابل بررسی است، و عهدنامه مودت ارتباطی با این موضوعات ندارد. دکتر شفیع‌ی در ادامه به ذکر جزئیاتی از نظریات طرفین در این خصوص و نتیجه‌گیری دیوان که همانا احراز صلاحیت و شروع رسیدگی ماهوی به دعوی بود پرداخت. دیوان معتقد است هرگونه اقدامی که مخل به آزادی تجارت میان طرفین باشد طبق عهدنامه مودت در چارچوب صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، و این امر شامل اقدامات نظامی نیز می‌شود.

وی با یک ارزیابی کلی از رأی دیوان گفت: اگر ما توقع داشتیم که دیوان بگوید دولت آمریکا در جهان یک دولت متجاوز، پرخاشگر و دولتی است که می‌خواهد سیاستش در زیر نیروی نظامی برخلاف منشور سازمان ملل متحد و برخلاف بند ۴ ماده ۲ عمل کند، توقع کاملاً بجایی نبوده است. ولی باید قبول کرد که امروز در حقوق بین‌الملل و در روابط بین‌الملل، اجماعی که در سال ۱۹۴۵ در مورد بند ۴ ماده ۲ منشور وجود داشت وجود ندارد. امروز بسیاری از دولت‌ها و استادان حقوق اظهار نظر می‌کنند که در مسایل حقوق بشر باید فکری بکنیم. اگر دولتی خودسرانه حقوق افراد انسانی را از بین می‌برد، باید به سازمان ملل متحد اجازه بدهیم در این زمینه اقدام کند. مسأله البته در چارچوب بحث و گفتار است فقط این را می‌خواهم بگویم که آن اجماعی که در سال ۱۹۴۵ درباره این ماده وجود داشت وجود ندارد. اما اگر از این مسأله صرف نظر کنیم، ببینیم رأی دیوان چگونه است؟ دیوان در دعوی ایالات متحده علیه ایران در مورد روابط کنسولی و دیپلماتیک صریحاً گفت: «دولت ایران تعهدات خودش را به گونه‌ای که در کنوانسیون‌های وین مخصوصاً ماده ۲۲ بوده نقض کرده است و دولت ایران مسئولیت بین‌المللی دارد و باید بنشینند با دولت آمریکا خسارت تعیین کنند. و اگر نتوانستند خسارت تعیین کنند. بیاید نزد من تا تکلیف را روشن کنم.»

ملاحظه کنید اول دادگاه در مورد حمله ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ می‌گوید اقدام نظامی آمریکا علیه دولت ایران مشروع نیست و دفاع مشروع محسوب نمی‌شود. دیوان صریح می‌گوید دولت آمریکا حق ندارد اقدام نظامی انجام بدهد، فردای آن روز هم به شورای امنیت برود. می‌گوید من باید تشخیص بدهم که اقدام تو دفاع مشروع بوده است یا خیر؟ و من

تشخیص می‌دهم این اقدام در چارچوب حقوق بین‌الملل نمی‌گنجد، به ویژه آنکه هدفی که تو انتخاب کردی - خیلی بحث حقوقی ظریفی می‌کند - این هدف، یک هدف مشروع نیست. تورفته‌ای پایگاه‌های نفتی یک کشور ۶۰ میلیونی را می‌زنی که نفت تنها صادرات اساسی در بازرگانی خارجی است.

بعد دیوان آمده می‌گوید: بسیار خوب عمل آمریکا خلاف است ولی شما صلاحیت دیوان را در چارچوب بند ۱ ماده ۱۰ پذیرفته‌اید و شما در تاریخ ۱۹ اکتبر نفتی برای صدور به آمریکا نداشتید. اینجا را قبلاً عراق زده بود. ایران در حال بازسازی این سکوها نفتی بود. در زمان حمله، نفتی در اینجا تولید نمی‌شده است، البته آمریکا در همان مباحث صلاحیت هم گفته بود که منظور از تجارت (commerce)، تجارت موجود و واقعی Actual Commerce است، یعنی خرید و فروش فعلی. در اینجا ضمن کمال احترام که برای کارشناسان حقوقی ایران داریم و اذعان داریم که کار بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند، شاید بایستی ایران ادعا می‌کرد: «درست است که در ۱۹ اکتبر نفتی در سکوها رسالت و رشادت برای صدور و فروش به آمریکا وجود نداشت، ولی من در حال بازسازی بودم و این بازسازی‌ها در دست پایان بوده و به پایان کار رسیده بودیم و قرار بود روز ۲۴ اکتبر عملیات تولید و فروش از سر گرفته شود»، منتها برای این حرف دولت ایران (و شاید یکی از نارسایی‌هایی که در دفاع ایران به نظر من باشد همین است) بایستی یک شهادت‌نامه بیوست می‌کردیم که چهار الی پنج کارشناس می‌نوشتند این عملیات داشته پایان می‌پذیرفته و چهار روز دیگر این سکوها به کار می‌افتاده‌اند.

متأسفانه ما ایرانی‌ها از نظر فرهنگ حقوقی خیلی عادت به دلیل دادن نداریم. جناب دکتر کاشانی خوب می‌دانند آمریکایی‌ها هر حرفی که می‌زنند یک دلیل، یک کارشناس و یک شهادت‌نامه همراهشان است. یک روز یک دادگاهی بود که من خودم آنجا بودم. ایرانی‌ها آمدند یک ادعایی کردند، دیوان گفت: یک دلیلی بیاورید بگذارید در پرونده. گفتند: دلیل چه بیاوریم بریزیم؟ دیوان گفت: از این راه که آمدید یک روزنامه‌ای، کاغذی، چیزی بگیرید بیاورید بگذارید در پرونده. وقتی دولت ایران می‌گوید اگر حمله روز ۱۹ اکتبر آمریکا نمی‌بود من روز ۲۴ اکتبر فعالیت سکوها را از سر می‌گرفتم

این حرف نیازمند بودن دلیلی است. دادگاه هم همین را می‌گوید: دلیلی یا اطلاعاتی جلوی من نیست که واقعاً این تعمیرات پایان می‌پذیرفت، این فقط صرف ادعا است. بنابراین اینجا این طور شده که دادگاه حکم پرداخت خسارت به ایران نداده است.

مطلب دوم دربارهٔ حملهٔ آوریل ۱۹۸۸ است. این حمله همزمان بوده با دستور اجرایی رییس‌جمهور آمریکا که ایران را تحریم نفتی کرده بود. دیوان می‌گوید در آن زمان در تحریم نفتی بودید، لذا چه نفت داشتید یا نداشتید نمی‌توانستید به آمریکا صادر کنید. شاید مناسب می‌بود که دولت ایران نفس آن دستور تحریم را در دستور کار قرار می‌داد. ولی چنین کاری را دولت ایران نکرد (حتماً به دلایلی آقایان بزرگوار صلاح ندانسته‌اند) و به این جهت است که دیوان می‌گوید: چون که نفتی نداشتید صادر کنید، بنابراین رأی خسارت نمی‌دهم. البته توجه داشته باشید دیوان خیلی ساده می‌توانست حمله‌ای را که به کشتی آمریکایی شد به ایران نسبت دهد. دولت آمریکا خیلی دلیل در این دعوا ارایه داده بود. آقای دکتر ممتاز لازم بود یکسری توضیحاتی به آقایان در این زمینه بدهند. آن بمبی که به کشتی آمریکایی برخورد کرده بود، خرده‌هایش را در جلسه دادگاه آورده بودند. قبلاً دولت آمریکا یک کشتی ایرانی حامل مین را در آب‌های خلیج فارس توقیف کرده بود. این مین‌ها با هم همخوانی داشتند از نظر شماره سریال. دیوان خیلی راحت می‌توانست آن حمله را به دولت ایران نسبت بدهد ولی این کار را نکرد. این موردی که فعلاً در نزد دیوان مطرح بود به نظر من از نظر شرایط و اوضاع و احوال با مورد آن قضیهٔ دعوی آمریکا تفاوت داشت ما در جمع بخواهیم به دیوان نمره بدهیم نمره ۲۰ شاید به دیوان ندهیم اما نمرهٔ ۱۸ می‌دهیم.

آقای دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی:

● دعوی و ادله ایران

دومین سخنران میزگرد، آقای دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی رییس گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی در سخنان خود به عنوان «دعوی و ادله ایران و نظر دیوان» به بررسی ابعاد مختلف درخواست ایران و نیز پاسخ‌های دیوان به این

درخواست‌ها پرداخته و گفت: دولت ایران ادعا می‌کند که آمریکا با حمله و انهدام سکوهای نفتی در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ نسبت به تعهدات خود در قبال ایران در رابطه با بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت قصور ورزیده است و مسؤولیت این حملات بر آمریکا بار می‌شود. در واقع مبحث ماده ۱۰ بحث محوری است. دکتر بیگدلی با اشاره به اینکه طبق محاسبات ایشان دیوان در مجموع در این رأی ۴۸ استدلال مطرح می‌کند که ۳۶ عدد آنها به نفع ایران بوده است، افزود دیوان ابتدا باید تکلیف دادخواست ایران را روشن می‌کرد و بعد از آن دادخواست متقابل آمریکا را در نظر می‌گرفت اما خوشبختانه ابتدا به مسأله حمایت از منافع امنیتی و حیاتی پرداخته و بررسی کرده که اساساً آیا اقدامات آمریکا در رابطه با منافع حیاتی و امنیتی بوده است یا خیر و بعد از آن به آزادی تجارت پرداخته است. چرا که به این اعتقاد دیوان اگر مسأله حمله به سکوهای نفتی در راستای منافع امنیتی و حیاتی آمریکا و بالمآل تحت عنوان دفاع مشروع صورت گرفته باشد دیگر ورود به مسأله تجارت موردی ندارد. دیوان نهایتاً می‌گوید برایش اثبات نشده است که حمله به سکوهای یاد شده پاسخ مشروعی بوده به حمله مسلحانه ادعایی ایران به یک کشتی آمریکایی (ناو ساموئل رابرتز)؟

در هر حال با تمام اینها، دیوان معتقد است به دلیل تحریم ورود نفت از ایران به دستور رییس جمهور وقت آمریکا، در زمان مورد نظر سکوهای منهدم شده نقش مستقیمی در تجارت میان ایران و آمریکا ایفا نمی‌کرده‌اند. هر چند نفت تولیدی از طریق واسطه‌هایی به آمریکا می‌رفته است اما در کل، تخریب این سکوها نقض ماده مورد اشاره در عهدنامه مودت به شمار نمی‌آید و لذا دعوی ایران برای جبران خسارت نیز نمی‌تواند از طرف دیوان مورد رسیدگی واقع شود.

وی در ادامه افزود: موضعگیری ایران بسیار دقیق و سنجیده بود و اگر دادخواست متقابل آمریکا مطرح نمی‌شد حکم به نفع ایران صادر می‌شد. آمریکا در دادخواست خود به ماده ۲۰ معاهده مودت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا استناد کرد که اگر هر اقدامی را برای حفظ منافع حیاتی خود لازم بداند، بدون توجه به معاهده مذکور اقدام خواهد کرد که در واقع توسل به زور بود و توسل به زور به حقوق بین‌الملل ربط داشت. وی اضافه کرد علی‌رغم نظریات بعضی از حقوقدانان این موضوع در حوزه صلاحیت دادگاه بود و

باید مورد پی‌گیری قرار می‌گرفت. این رأی اگرچه متضمن فایده ملموس برای طرفین نیست اما از جهت توسعه و تحول حقوق بین‌الملل مخصوصاً در فضای بعد از ۱۱ سپتامبر و تحول در مفهوم دفاع مشروع این یک نقطه عطف بسیار مهم و اساسی است.

آقای دکتر ابراهیم بیگزاده

● دعوی متقابل ایالات متحده

سخنرانِ دیگر مراسم آقای دکتر ابراهیم بیگزاده عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز در سخنان خود با عنوان «دعوی متقابل ایالات متحده» ابتدا درخصوص علت تطویل رسیدگی به دعوی گفت: اساسنامه دیوان و آیین دادرسی آن اجازه می‌دهد که دولت‌هایی که در موضع ضعیف‌تری هستند بتوانند با استفاده از این مکانیسم‌ها دادرسی را طولانی کنند تا بلکه بتوانند با طرف مقابل به توافق برسند که این مورد در بسیاری از دعاوی دیده شده است. از جمله این مکانیسم‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایرادات مقدماتی، دعوی متقابل، درخواست تفسیر رأی (هم رأی صلاحیتی و هم رأی ماهوی) و امکان بازنگری در رأی (طبق ماده ۶۱ اساسنامه و ۹۹ آیین دادرسی در مواقعی که دلیل به دست آید که بتواند در رأی دیوان مؤثر باشد امکان بازنگری از رأی دیوان وجود دارد که طبق مقررات ۶ ماه از تاریخ کشف آن باید تقاضای بازنگری بشود).

دعوی متقابل ایالات متحده در همین راستا قابل بررسی است. آمریکا در ۱۹۹۷ بعد از احراز صلاحیت توسط دیوان، دعوای متقابلی علیه ایران مطرح کرد و مدعی شد ایران در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ با اعمال خود در خلیج فارس وضعیت فوق‌العاده خطرناکی برای کشتیرانی ایجاد کرده و به این ترتیب ماده ۱۰ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ را نقض کرده است و لذا باید خسارات ایالات متحده را جبران کند. دیوان پس از رسیدگی‌های مفصل و با وجود بسیاری از قرائن و شواهد که آمریکایی‌ها به دادگاه آورده بودند، متقاعد نشد که مسؤلیت حمله به کشتی‌های تجاری و بخصوص حمله به ناو آمریکایی ساموئل رابرتز متوجه ایران است و لذا این دادخواست آمریکا رد شد.

دکتر بیگزاده در ادامه افزود ما براساس دادخواست خود صلاحیت دادگاه را تنها به بند یک ماده ۱۰ محدود کردیم که همان مسأله کشتیرانی و تجارت آزاد بود. دادگاه نمی‌توانست خارج از صلاحیت خود به بررسی مسایل دیگر همچون توسل به زور بپردازد. اکنون هم رأی دادگاه قطعی است و نمی‌توان این موضوع را دوباره مطرح کرد. مگر اینکه از طرق سیاسی و در جوی دیگر درباره جبران خسارت مذاکره کنیم. وی تصریح کرد البته درس‌هایی که از این پرونده گرفتیم قابل توجه است. از همه مهمتر اینکه بعد از این باید در توسل به معاهدات بین‌الملل برای طرح یک پرونده دقت بیشتری داشته باشیم و دادخواست‌های احتمالی علیه آنها را در نظر بگیریم. از طرف دیگر و از آنجا که در این پرونده آمریکا در دفاعیات خود به نظر مسؤلان و سیاستمداران ایرانی استناد کرد و با توجه به مسؤلیت بین‌المللی، مقامات ایرانی باید در صحبت‌های خود بسیار محتاط باشند.

دکتر بیگزاده تأکید کرد به هیچ وجه نباید رأی دیوان را یک رأی سیاسی بدانیم از آنجا که در چارچوب خود بسیار خوب عمل کرد. وی با انتقاد از سخنگوی وزارت امور خارجه که بلافاصله پس از صدور رأی آن را سیاسی خوانده بود، از دستگاه‌های رسمی سیاست خارجی کشور خواست در اظهار نظر پیرامون قضایای بین‌المللی صبر بیشتری پیشه کنند و پس از بررسی تخصصی و کسب نظر کارشناسان، نسبت به محکوم کردن و یا استقبال از یک امر اقدام کنند. به گفته ایشان این اظهار نظر سریع و نسنجیده سبب شد که رأی دیوان که واقعاً یک پیروزی حقوقی برای ایران بشمار می‌آید در اذهان عمومی به عنوان شکستی بزرگ قلمداد شود.

با اتمام صحبت‌های ایشان، مدیر جلسه ۱۰ دقیقه تنفس اعلام کرد و پس از یک استراحت کوتاه میزگرد مجدداً به کار خود ادامه داد.

آقای دکتر جمشید ممتاز

● اصل عدم توسل به زور در پرتو رأی دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی

نخستین سخنران جلسه دوم میزگرد، آقای دکتر جمشید ممتاز عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و استاد دانشگاه تهران در سخنان خود با عنوان «اصل عدم

توسل به زور در پرتو رأی دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی» گفت: این رأی را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. در خصوص اهمیت این رأی باید گفت که این رأی در کتاب‌های حقوق بین‌الملل در آینده جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. زیرا در این رأی، دیوان بین‌المللی دادگستری نه فقط مورد اختلاف بین ایران و آمریکا را فیصله داده است، بلکه در خیلی از موارد اقدام به شناسایی قواعد مسلم حقوق بین‌الملل کرده است. به خصوص در شرایط بحرانی فعلی که موضوع توسل به زور از موضوعات مهم روز است.

دیوان در دو مورد رأی داد که ایران همواره به دنبال آنها بوده است. دیوان در رأی خود بر این مسأله تأکید می‌کند که عراق در ۱۹۸۰ به خاک ایران حمله کرد. موضوعی که ایران همیشه خواهان به رسمیت شناخته شدن آن در مجامع بین‌المللی به ویژه سازمان ملل بود و دیوان به عنوان رکن قضائی سازمان ملل آن را به رسمیت شناخت. از طرف دیگر به دنبال کشیده شدن جنگ ایران و عراق به دریا و متهم شدن ایران به غرق کشتی‌های خارجی این نگرانی وجود داشت که به خاطر کشته شدن بیش از هزار و دویست ملوان خارجی، ایران با انبوهی از شکایات در مجامع قضائی روبرو شود که با تأکید دیوان در این مورد که تخریب کشتی‌های آمریکایی به ایران مربوط نیست، بخش مهمی از نگرانی‌ها رفع شد.

وی تأکید کرد: از طرف دیگر این موضوع مطرح شد که توجیه آمریکا برای تخریب سکوه‌های نفتی ایران به عنوان دفاع مشروع بی‌پایه است و اقدام آمریکا به هیچ وجه در راستای حفظ منافع ملی آمریکا نبوده، بلکه توسل به زور است و به نوعی تلافی‌جویی بود نه دفاع مشروع. وی تصریح کرد: این موضوع که چرا دیوان نقض دفاع مشروع را تا به آخر طی نکرد موضوعی است که در بین حقوقدانان جهان درباره آن اختلاف نظر وجود دارد. وی در ادامه گفت: با این حال می‌توان این انتقاد را از رأی دیوان کرد که بایستی اقدامات دولت‌ها در جهت نقض دفاع مشروع و توسل به زور در روابط بین‌الملل محکوم شود.

مطلبی که قابل توجه است اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری بین دو توجیه آمریکا یعنی از یکسو توسل به ماده ۵۱ منشور (دفاع مشروع) و از طرفی توسل به ماده ۲۰

عهدنامه مودت تلفیقی ایجاد می‌کند و نهایتاً دیوان به این نتیجه می‌رسد که پاسخ به این سؤال که «آیا دولت امریکا می‌توانسته از ترتیبات ماده ۲۰ استفاده نکند برای تخریب سکوهای نفتی ایران»، بدون استناد به حقوق بین‌الملل ناظر بر توسل به زور میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری بر این باور است که ترتیبات مربوط به توسل به زور به نحوی که در حقوق بین‌المللی آمده، حتماً بایستی که مدنظر طرفین در قالب ماده ۲۰ معاهده قرار بگیرد. یعنی اینکه دولت آمریکا برای توجیه اقدام خودش حتماً ملزم است که آن را منطبق با حقوق بین‌الملل ناظر بر توسل به زور بنماید.

انتخاب دیوان بین‌المللی دادگستری و تعیین تقدم در بررسی این سؤالات یکی از بزرگترین موفقیت‌هایی است که ما در پرونده سکوهای نفتی کسب کرده‌ایم. منطقی‌ترین جواب می‌گردد که دیوان بین‌المللی دادگستری در ابتدا به بررسی این موضوع پردازد که آیا نهایتاً ماده ۱۰ عهدنامه نقض شده یا نه؟ که این قضیه از دو حالت خارج نبود یا ماده ۱۰ نقض شده، که در این صورت باید می‌پرداخت به بررسی این سؤال که آیا تخریب سکوهای نفتی منطبق با حقوق بین‌الملل و ماده ۲۰ بوده یا خیر؟ و در صورت دادن جواب منفی، دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توانست به ادامه رسیدگی خاتمه بدهد، چون دیگر اثبات اینکه «رابطه تجاری بین ایران و آمریکا وجود نداشته» و ضرورت تجزیه و تحلیل اقدام آمریکا در قالب معاهده ۱۹۵۵ از میان رفته است. خوشبختانه دیوان بین‌المللی دادگستری به جای اینکه در ابتدا به سؤال دوم پاسخ بدهد، نخست به سؤال اول پاسخ می‌دهد و این مسأله را بنده یک موفقیت برای جمهوری اسلامی ایران می‌دانم. باید توجه داشت که دلیل این اقدام دیوان بین‌المللی دادگستری چه بوده است؟ چرا که به خوبی می‌توانست از خودش سلب مسئولیت بکند و به مسأله بسیار حساس توسل به زور آمریکا برضد ایران در تخریب سکوهای نفتی پردازد و به بررسی اینکه آیا رابطه تجاری بین دو کشور وجود داشته یا نداشته پردازد.

دیوان بین‌المللی دادگستری خود توضیح می‌دهد که چرا به جای اینکه ابتدا به مسأله تجارت پردازد، به رسیدگی به مسأله توسل به زور توسط آمریکا پرداخته است. یکی اینکه دیوان می‌گوید خود آمریکا (طرف دعوا) اهمیت مسأله دفاع مشروع در جامعه بین‌المللی را بارها در لوائح خودش مورد تأکید قرار داده و به همین دلیل ترجیح می‌دهد

که خط ترسیم شده توسط آمریکا را دنبال کند و اول به این موضوع حساس در جامعه بین‌المللی می‌پردازد. و دوم آنکه اذعان دارد که در این گونه موارد حق انتخاب و تقدم به رسیدگی به مسایل مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری با خود دیوان است. ولی به نظر می‌آید دلیل دیگری هم در کار بوده است که دیوان صراحتاً نگفته است. به نظر شخصی بنده، دلیل اصلی این انتخاب توسط دیوان بین‌المللی دادگستری این است که دیوان نمی‌توانست در این شرایط بحرانی در جامعه بین‌المللی، در شرایطی که مسأله نقض بند ۴ ماده ۲ منشور توسط دولت آمریکا در عراق مطرح است و تمام حقوقدانان در این مسأله به نحوی موضع‌گیری می‌کنند و نهایتاً شکاف به وجود آمده بین طرفداران توسل به زور توسط آمریکا در عراق و مخالفین (که این شکاف در میان کشورها بسیار مشهود است)، بسیار ناپسند می‌بود که دیوان بین‌المللی دادگستری از این موقعیت، حسن استفاده را نکند و نظر خودش را در خصوص این مسأله مهم جامعه بین‌المللی ارایه نکند. چون نهایتاً دیوان می‌دانست که به این نتیجه خواهد رسید که روابط تجاری براساس ماده ۱۰ قرارداد وجود ندارد و تخریب سکوها صدمه و لطمه‌ای به اصل تجارت و روابط بین دو کشور نزده است. در این خصوص، اگر نگاهی به نظرات شخصی و مخالف قضات بین‌دازیم اصل مسأله‌ای که مورد توجه اکثر این قضات قرار گرفته همین مسأله توسل به زور و بحران موجود است و بعضی از قضات به این نتیجه رسیده‌اند که حتی دیوان می‌بایست خیلی روشن‌تر و صریح‌تر مسایل را مطرح می‌کرد و نهایتاً نقض منشور ملل متحد توسط دولت آمریکا در تخریب سکوهای نفتی را با صراحت هرچه تمام‌تر مطرح می‌کرد.

دکتر ممتاز در ادامه افزود: دیوان بر این نکته تأکید می‌کند که دولت‌ها این صلاحیت را ندارند که به صورت یکجانبه و انحصاری مشخص بکنند که چه عملی منافع اصلی و اساسی یک دولت است، این در اختیار دولت‌ها نیست که هر اقدامی را ناقض این منافع اساسی بدانند و به این بهانه از انجام تعهدات یک معاهده (در اینجا عهدنامه ۱۹۵۵) خودداری بکنند. در پاراگراف هفتاد و هشت (۷۸) رأی، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه می‌رسد که اقدام آمریکا در تخریب سکوها به عنوان اقدامی در جهت حفظ منافع اساسی براساس ماده ۲۰ معاهده ۱۹۵۵ قابل توجیه نیست چون این اقدام، توسل

به زور بوده و نمی‌توان آن را براساس حقوق بین‌الملل و دفاع مشروع از زمره اقدامات پیش‌بینی شده دانست و به این ترتیب اقدام آمریکا در تخریب سکوها نفتی را مغایر با ماده ۲۰ معاهده و مغایر با حقوق بین‌الملل و اصل دفاع مشروع تلقی می‌کند که این مطلب با تغییراتی در خود حکم هم آمده است.

به اعتقاد دکتر ممتاز ایران از منظر حقوقی باید روی این بخش حکم بیشتر تأکید کند و آن بخش مربوط به عدم تعلق خسارت به ایران را چندان بزرگ جلوه ندهد. وی همچنین در ادامه افزود حمله آمریکا به عراق و مسایل پیرامونی این حمله نظیر مشروعیت و عدم مشروعیت حمله آمریکا به عراق سبب شده تا برخی قضات از جمله قاضی آمریکایی، قاضی ژاپنی، قاضی انگلیسی و قاضی هلندی اظهار تأسف کنند که دیوان به مسأله مشروعیت کاربرد زور توسط دولت آمریکا در خلیج فارس پرداخته است. یعنی به عبارتی این چهار قاضی به این نتیجه رسیده‌اند که دیوان انتخاب خوبی در زمان تعیین حق تقدم خودش و تقدم در انتخاب سؤالات قابل بررسی نداشته است به خصوص قاضی آمریکایی بر این نکته توجه داشت که اگر دیوان به بررسی نقض ماده (۱۰) می‌پرداخت و به این نتیجه می‌رسید که تجارتي - تجارتي نفتی - در آن زمان بین سرزمین این دو دولت در جریان نبود، دیگر احتیاج نبود که به مسأله مشروعیت کاربرد زور بپردازد. قاضی ژاپنی هم همین حرف‌ها را می‌زند، قاضی انگلیسی هم همین حرف‌ها را می‌زند. در مقابل دو قاضی عرب حاضر در دیوان به خصوص آقای العربی - قاضی مصری - موضع‌گیری بسیار مثبتی می‌کنند و برعکس قضات غربی، بر این نکته تأکید دارند که دیوان می‌بایستی حتی فراتر از این برود. دیوان حقیقش بود که حتی با صراحت نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد توسط آمریکا را محکوم می‌کرد. بجا بود که دیوان بین‌المللی دادگستری نقض تمامیت ارضی و حاکمیت ایران را با تخریب سکوها توسط آمریکا با صراحت هرچه تمام‌تر مطرح می‌کرد اتفاقاً آقای العربی روی این موضوع تأکید دارد که در شرایط کنونی جا دارد که دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضائی سازمان ملل متحد به این مسأله اساسی که اساس و پایه صلح و امنیت بین‌المللی است بیشتر می‌پرداخت و با صراحت بیشتر اقدام دولت آمریکا را محکوم می‌کرد. همینطور قاضی آلمانی با صراحت به این مسأله اشاره دارد که در زمانی که عده‌ای از

حقوقدانان خاکسپاری بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را تدارک می‌بینند، جا داشت که دیوان بین‌المللی دادگستری از این فراتر می‌رفت و رسماً نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد به عنوان یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل را توسط دولت آمریکا مطرح می‌کرد.

دکتر ممتاز در نهایت این رأی را با در نظر گرفتن شرایط آن از جمله ترکیب دیوان بین‌المللی دادگستری رأی بسیار خوبی دانسته و افزود اگر ما رأی دیوان در اختلاف ایران و انگلیس در قضیه ملی شدن صنعت نفت را یک پیروزی تلقی می‌کنیم دلیلی نمی‌بینم که این رأی دیوان را یک پیروزی تلقی نکنیم. وی همچنین درباره استناد به عهدنامه یا ماده حقوقی دیگر به جای عهدنامه مودت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا برای مبنای صلاحیتی دیوان گفت: ما به جز استناد به این عهدنامه و به ویژه ماده ۱۰ آن راه دیگری برای مطرح کردن شکایت خود علیه دیوان نداشتیم.

آقای دکتر مسعود اسلامی

● ارزیابی رأی دیوان از نظر مسؤلیت دولت‌ها و پرداخت غرامت

سخنران پایانی مراسم آقای دکتر مسعود اسلامی رییس دانشکده روابط بین‌الملل ضمن تشکر از حضار به خاطر حضور در این میزگرد، در سخنانی به عنوان «ارزیابی رأی دیوان از نظر مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها و پرداخت غرامت» گفت: رأی دیوان علی‌رغم اینکه حمله آمریکا را به سکوهای نفتی ایران دفاع مشروع نمی‌داند ولی این کشور را هم وادار به جبران خسارت نمی‌کند که این نظر رأی کاملی نیست.

وی تأکید کرد: دیوان می‌توانست مبنای صلاحیتی وسیع‌تری برای خود تعریف کند و به جای اینکه تنها حقوق بین‌الملل نهادینه را در نظر بگیرد می‌توانست حقوق بین‌الملل عرفی را مبنای کار خود قرار دهد. دیوان آزادی تجارت را به صورت بسیار محدود و آن هم به تجارت بین دو دولت و آن هم تنها در قلمرو دو دولت تعریف کرد و از طرف دیگر تنها تجارت مستقیم را ملاک قرار داد. دکتر اسلامی در ادامه با اشاره به برخی از آرای مشهور دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری و نیز دیوان فعلی متذکر شد در قضایای مذکور نیز

اگرچه از دیوان خواسته نشده بود که در مورد جبران خسارات به اظهار نظر بپردازد ولی دیوان با این استدلال که در صورت پرداختن به این مسأله، در واقع موضوع فیصله نمی‌یابد و اختلاف حل نشده باقی مانده است، خود رأساً به موضوع خسارات نیز می‌پردازد.

به اعتقاد ایشان از ضعف‌های عمده رأی دیوان، عدم توجه کافی به حقوق بین‌الملل توسل به زور است. در واقع در بحث (Choice of Law) و اینکه کدام قانون را بایستی برای ایفای وظیفه خودش انتخاب کند و مبنا را بر آن بگذارد، به نظر می‌آید که دیوان می‌توانست مستقیم و مثبت‌تر برخورد بکند. دیوان تفسیری بسیار مضیق از مبنای صلاحیتی خود کرده است. در نمونه‌های دیگری که در قضیه کارخانه کرزو و کانال کرفو وجود دارد، دیوان در مواردی فراتر از حیطه صلاحیتی مقرر خودش رفته است و تفسیر موسع کرده، اما اینجا برعکس، تفسیر بسیار مضیقی از مبنای صلاحیتی خودش کرده است.

بحث دیگر اینکه آمریکا خودش هم منکر این نیست که عملیات نظامی علیه اهداف غیرنظامی ایران انجام داده، این مسلم و مسجل است، اما اقدامات ایران در حمله به کشتی‌های آمریکایی مسجل نیست. این دو نبایستی با هم همسنگ گرفته شوند و البته در عمل گرفته نشدند. اما این تفکیک باید بیشتر صورت می‌گرفت. در واقع مستند رد درخواست آمریکا قرار می‌گرفت و بحث غرامت را هم به دنبال خودش می‌آورد.

بحث دیگر فیصله ندادن به اختلاف و پایان ندادن به موضوع است. در حیطه عملکرد دیوان اصلی هست مبنی بر اینکه دیوان بایستی تناسب عملکرد و وظایف حقوقی و قضائی‌اش را با شرایط موجود رعایت کند. این تناسب و (Effectiveness) یعنی منتهی به نتیجه و ثمربخش بودن، یکی از اصولی است که دیوان در صدور آرای، خودش همیشه به آن توجه کرده است. بعضی وقت‌ها به خاطر اینکه تشخیص داده که رأیش مؤثر نیست (حتی استدلال‌های حقوقی و قانونی داشته) اما فقط به استناد اینکه اگر من رأی صادر بکنم مؤثر نیست، از صدور رأی خودداری کرده است. این (Propriety) در این رأی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حال که دیوان به اعتقاد آقایان اساتید با

احساس وظیفه نسبت به حقوق بین‌الملل، صلاحیت خود را برای رسیدگی به این موضوع محرز دانسته و نیز قبل از هر چیز وارد بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت حمله آمریکا به سکوه‌های نفتی شده است و در نهایت این حملات را خلاف حقوق بین‌الملل و نامشروع ارزیابی کرده است، بایستی کار را تکمیل می‌کرد و بحث خسارات را نیز فیصله می‌داد. در واقع کار دیوان در این مرحله ناتمام است و اختلاف مطرح شده نزد دیوان علی‌رغم اینکه دیوان خود را صالح به رسیدگی دانسته است، هنوز رفع نشده و پابرجا است.



شروه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی